

تاریخ: ۵۸/۵/۲۲

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان

بسم الله الرحمن الرحيم

اعتناشای عمال اجانب هنگام تحقق جمهوری اسلامی به مستظرف انحراف اذهان

عمومی
من می‌خواستم اظهار تأسف کنم از اوضاعی که پیش آوردند و همیشه این اوضاع، اینستور خرابکاری‌ها قبل از یک کاری که بنا بود انجام بگیرد، انجام می‌دهند. وقتی که فرمانم می‌خواست بشود، یک شلوغی‌هایی ایجاد می‌کردند. آنها که شکست خوردند بعد در هر موردی اینها با شکست مواجه می‌شدند و حالا هم که بناست این مجلس محترم تحقق پیدا کنند، این خرابکاری‌ها را پیش آوردند برای اینکه اذهان را متوجه کنند به جای دیگر و شاید به خیال خودشان نتوانند آقایان به کار خودشان ادامه بدهند. بعد هم که این کار درست شد، بعد که بخواهیم مجلس شورای ملی درست بشود و رئیس جمهور، باز هم منتظر هستیم که این مسائل پیش بیاید. لکن ملت راه خودش را پیدا کرده است و ملت و دولت و همه قشرها به این راه ادامه می‌دهند. چه این شلوغ کاری‌ها را اینها بکنند و چه نکنند و سرکوبی اینها هم خیلی دشوار نیست، ما می‌خواهیم حتی الامکان با ملایمت با اینها رفتار بکنیم. خورنبریزی نشود. در هر صورت ما منتظر این هستیم که این خرابکاری‌ها به دست این خرابکارها و به دست این اجانب که اینها را آلت قرار دادند بشود. اینها برای مقاصد خودشان با این اسامی مختلف، مثل حزب دمکرات، دمکرات کذا، حزب فدائیان خلق و اینطور الفاظ بی‌معنا به این کارهای خلاف انسانی ادامه دارند می‌دهند. با قلم گاهی، با عمل گاهی، و این همانطور که من پررود عرض کردم، این گناهش هم کردن نیست، انقلاب نباید اینطور باشد. ما می‌خواستیم که آقایان می‌خواستند که بعد از انقلاب هم خیلی با ملایمت رفتار کنند، آزاد کردند، مرزها را باز گذاشتند، آزاد کردند همه را، قلم‌ها را آزاد کردند، گناه‌ها را آزاد کردند، احزاب را آزاد کردند، به خیال اینکه اینها یک مردمی هستند که لااقل اگر مسلمان نیستند، آدم هستند، برای یک سلطنتی که برای خود آنها ملت زحمت کشیده است، لااقل آنقدر ادراک دارند که اگر درباره اوضاع برگرده، برای همه بد است لکن معلوم شد چیزی، قضیه این حرف‌ها نیست و اینها عمال خارجی‌ها هستند، حالا با عمال آمریکا هستند یا عمال جاهای دیگر هستند، حالا برای ملت ماهیت اینها، ماهیت این نویسنده‌ها، ماهیت این احزاب، ماهیت این الفاظ فریبنده بی‌معنا برای حالا روشن شد.

تاریخ: ۵۸/۵/۲۷

ظور انحراف اذهان

به این اوضاع، اینطور که رفزاندم می خواست خوردی اینها با شکست خرابکاریها را پیش نوتواند آقایان به کار نورای ملی درست بشود خودن را پیدا کرده است اینها بکنند و چه نکنند بت بنا اینها رفتار بکنیم، نت این خرابکارها و به ان با این اسماء مختلف، لیه این کارهای خلاف، بریزوز عرض کردم، این و خواستند که بعد از اد کردند همه را، قلمها را لها یک مردمی هستند که ملت زحمت کشیده است، کن معلوم شد خیر، قضیه تندبا عمل جاهای دیگر اب، ماهیت این الفاظ

اسلام اجازه نمی دهد که ما آزاد بگذاریم هر کس هر توطئه ای می خواهد بکند، اگر ما الان دیگر انقلابی رفتار کنیم، نمی توانند بگویند که شما آزادی ندادید. ما آزادی دادیم، سوءاستفاده شد و آزادی نخواهیم دیگر داد. آزادی به آن معنا که اینها بخواهند خرابکاری بکنند، این آزادی نخواهد داده شد. آزادی در حدودی که قوانین اقتضاء کند، در حدودی که اسلام به ما اجازه می دهد، اسلام اجازه نمی دهد که ما آزاد بگذاریم که هر کس هر غلطی بخواهد بکند، هر توطئه ای می خواهد بکند، هر کاری می خواهد بکند که بکشد به خاک و خون. ما باید از دولت و از وزیر کشور هم باید گلابه کنیم که در آن روزی که اینها سیصد نفر را (آنطور که گفتند) زخمی کردند، از طرف دولت جز اظهار تأسف، ما چیزی ندیدیم، از رادیو هم ندیدیم چیزی. اگر بنا بود اینها با یک اظهار تأسفی، با یک مثلاً نصیحتی از کارهای خلاف خودشان دست برمی داشتند، حالا چند ماه است نصیحت شده است، توصیه شده است، التماس شده است، همه چیز با اینها رفتار شده است و اینها اهل این نیستند که با نصیحت دست از کار خودشان بردارند. باید با شدت با آنها عمل کرد و من شاید امروز و فردا بسیار از این احزاب را ممنوع اخطار و اعلام کنم و بگذاریم هیچ نوشته ای از اینها در هیچ جا و هیچ اثری از اینها در هیچ جای مملکت نگذاریم که خروج کند، تمام نوشته هایشان را از بین می بریم برای اینکه وقتی ملت فهمید که اینها خرابکارند، اینها اشخاصی نیستند که بشود با آنها با ملامت رفتار کرد. حزب دمکرات کردستان یک جمعیت خرابکار هستند، یک جمعیت فاسد هستند، یک جمعیت مفسد هستند، اینها را ما نمی توانیم بگذاریم که همین طور هر کاری که دلشان می خواهد بکنند، حالا هم اعتراض کرده اند که خود شماها دارید این کارها را می کنید؛ نظیر آنها که در پریروز و در چند روز پیش، آن خرابکاری را کردند و بعد گفتند که خود مردم این کارها را کردند. خودشان ایجاد غائله می کنند، بعد گردن اینها می گذارند. حالا هم در روزنامه دیدم که آنجا غزالدین حسینی فاسد و همین طور قاسملوی فاسد (که نیست لابد اینجا) اینها می گویند خود پاسدارها که آمدند، اینها مردم را چه کردند، در صورتی که سز پاسدارها را بریدند، سر مردم را بریدند، بچه ها را چه کردند. یک همچو مردمی هستند اینها، با اینها نمی شود با آشتی و مصالحه و با این چیزها با اینها نمی شود رفتار کرد، با اینها باید با شدت رفتار کرد و با شدت رفتار می کنیم انشاءالله.

سوءاستفاده جنایتکاران مدعی خلق از نعمت آزادی

البته حتی الامکان، حالا ما هم دلمان می خواهد که کسانی که قلم دارند، کسانی که — عرض می کنم که — به خیال خودشان روشنفکر هستند، کسانی که جبهه ها تشکیل دادند، آنها باز ما میل داریم که با ملامت با آنها رفتار کنیم لکن باید دست از کار خودشان بردارند. مسیر ملت معلوم است، یک چیزی نیست که مجهول باشد. همه کسانی که بر اوضاع ایران مطلع هستند، همه می دانند که این ملت چه می خواهد، بر کسی پوشیده نیست، به خارجی ها، به داخلی ها، به احزاب، به همه پوشیده نیست که این ملت آنی را که می خواهد، جمهوری اسلامی است. اسلام را می خواهد این ملت. چند نفر آدم

فاسد بیابند بگویند که بخیر، اسلام نه، همان جمهوری بخواند و چند نفر آم به یک ملت تحمیل کنند و بعد بگویند که ما آزاد نیستیم، آزادی این است که شمائی که در اقلیت هستید (نه آن اقلیتی که حزب‌های بعضی‌شان اقلند و بعضی اکثرند)، آن اقلیتی که شما همه گروه‌ها را با هم جمع کردید، همه کارها را انجام دادید و همه خرابکاری‌ها را هم کردید و از صد، یک و نیم فوش دو، همه رویه‌پرنته دو، مخالف با قضیه بود، یک همچو رفتاری در دنیا سابقه نداشته که اینطور رفتار کنیم با شما، یک چنین رفتاری از آزادی که همه مردم را آزاد گذاشتند و با آزادی مردم رای دادند، ولی بعضی‌ها هم جلو گرفتند، بعضی از همین شیاطین جلو گرفتند، اینها نمی‌خواهند که این مملکت به حال خودش باقی بماند و این مملکت و کارخانه‌ها را از کار باز داشتن و مردم را از رای دادن باز داشتن و در وقتی که مردم مجلس خبرگان را می‌خواهند تهیه کنند، این بساط را درست کردن و وقت رای گرفتن آسطور و وقت تشکیل آسطور (بعدا هم که خواهد شد) اینها مسیر ملت است؟! شمائی که می‌گویند ما برای ملت و برای توده‌ها و برای خلق داریم کار می‌کنیم، اینها مسیر ملت است؟! به نفع خلق است سوزاندن حاصل رنج یک جمعیت، یک سال حاصل رنجشان را شما با یک کبریت آتش می‌زنید، این مسیر ملت است؟! این به نفع توده‌ها و خلق است؟! می‌خواهند توده‌ها و خلق رای بدهند، جلو می‌گیرید، این به نفع خلق است؟! به نفع توده‌هاست؟! که شما ادعای کنید ما به نفع توده‌ها هستیم، به نفع خلق هستیم و این عمامه و نعلین است که بر خلاف است، این عمامه و نعلین چه می‌کنند، این عمامه و نعلین حالا بیچ ماه است که به شما مهلت داده در صورتی که همه قدرت دستش بوده است، قدرت در هند جا دست عمامه و نعلین بوده، چه کرده اند اینها؟ شما جز خرابکاری کرده‌اید؛ بلم، اشکال به عمامه و نعلین است که به شما مهلت دادند، این اشکال وارد است، اگر بنا بود که از اول مثل سایر انقلاباتی که در دنیا واقع می‌شود، انقلاباتی که واقع می‌شود، پشت سر هر انقلاب یک چند هزار از این فاسدها را در سر آکر عام دار می‌زنید و آتش می‌زنند، تمام می‌شود قضیه، نمی‌گذارند که یک روزنامه‌ای چیزی بشود الا آن روزنامه‌ای که خودشان می‌خواهند.

الان انقلاب اکثر که اینقدر وقت از آن گذشته، باز روزنامه‌ای مردم ندارد، باز حزبی در کار نیست، یک حزب بیشتر نیست، اینها دارند برای آنها سینه می‌زنند، اگر در اینجا از یک حزب فاسد جلو بگیرند می‌گویند شد یک حزبی، شد رستاخیز، ما می‌خواهیم رستاخیز بشود، ما یک حزب را، با چند حزب را که صحیح عمل می‌کنند می‌گذاریم عمل بکنند و باقی همه را ممنوع اعلام می‌کنیم و همه توشنجائی که اینها کرده‌اند و بر خلاف مسیر اسلام و مسیر مسلمین است، ما همه اینها را از بسین خواهیم برد، ما بعد از اینکه فهمانیم به اینها که شماها دیکتاتور هستید، ما آزادیخواه بودیم و شما نگذاشتید، ما آزادی دادیم و شما نگذاشتید این آزادی باقی بماند، حالا که اینطور شد ما انقلابی با شما رفتار می‌کنیم، هر چه می‌خواهند روزنامه‌های خارج بنویسند، هر چه می‌خواهند توابع صهیونیست‌ها و امثال اینها هر چه دلشان می‌خواهد فریاد بزنند، اینها هم اگر چنانچه هر چه دلشان می‌خواهد تروی

میل کنند
به حزبها
کارها را
و مخالف
ز فراتر اندم
بعضی از
مملکت و
ن سوزی و
خبرگان را
اینستور
توده ها و
نج یک
ن به نفع
است؟! به
و نعلین
که به شما
بوده، چه
یت دادند،
لاباتی که
بند و آتش
خودشان

بی در کار
زب فاسد
زب را، یا
ننیم و همه
را از بین
دیدیم و شما
لابی با شما
نیست ها و
اهد تنوی

خانه هایشان بروند فریاد بزنند لکن بیرون دیگر نمی توانند، اینها باید منزوی بشوند.

ما شرعاً موظفیم به حفظ مصالح اسلام و مسلمین

بعد از این هم ما گرفتاری داریم، فردا قضیه رئیس جمهور است، همین بساط و همین خونریزی و اینها در قضیه مجلس شورا بدتر از این خواهد شد، دیگر خیلی بدتر از این خواهد شد. ما باید جلوی مفاسد را بگیریم، ما موظفیم از طرف اسلام که مصالح مسلمین را حفظ کنیم، همه موظفیم، همه ما موظفیم که مصالح اسلام را حفظ کنیم و این طوایف دارند مصالح اسلام را از بین می برند. بنابراین در کمال تأسف ما دیگر نمی توانیم آن آزادی که قبلاً دادیم، بدهیم و نمی توانیم بگذاریم این احزاب به کار خودشان و به فسادهایی که داشتند می کردند و می کنند ادامه بدهند. مردیکه سرمایه داری که چه است (که حالا من نمی خواهم اسم کثیفش را ببرم) یک مردیکه سرمایه داری، همه این غائله ها را ایجاد کرد در آن چند روز پیش از این و بعد هم حالا فرار کرد، ما نمی توانیم مهلت بدهیم، شرعاً جایز نیست برای ما دیگر مهلت. تا آنجائی که ما می توانستیم و خطا هم کردیم و من تصدیق می کنم که خطا کردیم، هم ما خطا کردیم، هم دولت خطا کرد، هم شورای انقلاب خطا کرد، همه ما خطا کردیم. ما خیال می کردیم که ما با انسان سز و کار داریم، پس با انسانیت رفتار می کنیم، معلوم شد که نه، ما با انسان سر و کار نداریم، ما با حیوانات درنده سر و کار داریم. نمی شود با حیوانات درنده، ما ملایمت بکنیم و نمی کنیم دیگر ملایمت و من امیدوارم که این فریادهای اینها و این دست و پا زدن های اینها، این شایعه پخش کردن اینها، حالا هم باز شایعه پخش کرده اند که ۲۸ مرداد شاه می آید، بسیار خوب بیاید، ما از خدا می خواهیم که شاه بیاید آنجا، این شایعه ها چیزی نمی شود.

طرح مسائل غیر اسلامی برخلاف حدود و کالت است.

و من امیدوارم که بدون اینکه یک ذره آقایانی که انشاء الله با سلامت (و می دانم دیگر گفتن من زیادی است لکن برای اینکه گفته بشود باز هم) بدون یک ذره ملاحظه از غرب، از شرق، از — نمی دانم — حزب کذا، حزب دمکرات، از چه و چه بدون یک ذره ملاحظه، باید این قانون اساسی ما مطابق با شرع، در چهارچوب شرع. اگر یکی یکی از و کلا یا همه و کلا بخواهند — دست — از این چهارچوب خارج بشود، اصلاً وکیل نیستند برای ما. شما آقایان وکیل هستید که زن های مردم را هم طلاق بدهید؟ زن موکل تان را؟ نیستید. اگر طلاق بدهید، صحیح است؟ نه. از باب اینکه شما وکیل هستید برای رسیدگی به قانون جمهوری اسلامی. الان اگر چنانچه شما بخواهید، یا بعضی از شما بخواهند که اسم جمهوری اصلاً نباشد، بحث را ببرند روی رژیم سلطنتی، شما حق دارید رسیدگی بکنید؟ شما حق رسیدگی ندارید. برای اینکه جمهوری اسلامی را شما حق رسیدگی دارید. همانطوری که برای طلاق دادن زن مردم، شما و ما، هر کس که وکیل شده است برای طلاق دادن زن مردم و کالت ندارد، و کالتش محدود است. در مسائل غیر اسلامی، اگر یک مسأله غیر اسلامی در اینجا بیاید، طرحش

مردود است. طرح مسأله غیر اسلامی بر خلاف وکالت شماسست. مثل یک باحثة‌ای می‌ماند که شما یک مسأله علمی بحث بکنید. مانعی ندارد بحث بکنید. اما بر خلاف وکالت شما است. همان‌طور که طلاق دادن زن موکلین تان بر خلاف وکالت شماسست. طرح کردن یک مسأله غیر اسلامی هر چه باشد. هر چه متری باشد. شما نمی‌توانید طرح بکنید. یک دسته دیگری درست کند. ملت خودش اختیار دارد یک دسته هم درست کند که در مسائل غیر اسلامی بحث بکند در چهارچوب مسائل اسلامی. البته مسائل اداری رایج به اداره امور. اینها مسائل دیگری است. علاوه بر خلاف حدود و کسالتش یکی بخواند طرح می‌کند. بر خلاف او. بر خلاف مسیر ملت است. اما مطالبی که مربوط به اسلام است. اگر حد و کالت بیشتر از این نیست. اگر زای هم بدهد. رأیش. اگر خدای نخواستند همه آقایان هم رأی بدهند. به یک مسأله غیر اسلامی. بر خلاف وکالتشان است. مردم و کلیشان نکرده‌اند برای آن. وقتی بر خلاف وکالت شد. مثل طلاق دادن زن آنها می‌ماند.

بدون هراس از یاورسوائی دشمنان اسلام به طی مسیر خویش ادامه می‌دهیم -
ما از هیچ چیز باک نداریم. نه باک داریم که شرق ما را بکوت انحصار ملاً غیر آزادی طلب یا دیکتاتور حساب بکند. نه باک از این داریم که غرب یک همچو چیزی بکند. البته منافقان که در معرض خطر است. باید همه تهمت‌ها را به ما بزنند و ما همه تهمت‌ها را قبول می‌کنیم. هر چه آنها می‌گویند بسیار خوب. اما ما مسیر خودمان را طی می‌کنیم. ما جمهوری اسلامی را به آنطوری که دستور از خدای تبارک و تعالی داریم و به آنطوری که مصالح مملکت ما. ملت ما اقتضای می‌کند. ما این مسیر را خواهیم رفت و آقایان هم همین مسیر را خواهند رفت و هر چه هر که بگوید هیچ مورد اعتماد و اعتنا نیست و باکی هم از این نیست که چه بگویند. البته بخوانید که همه مردم برای شما خوب بگویند. باید برزید توی خانه‌هایشان بنشینید و هیچ کس شما را ننشیند. برای حضرت اسیر هم هزاران چیز گفتند. برای پیشمر اکرم گفتند. حالا هم دارند می‌گویند. ما باکی از این نداریم. غربی برای پیشمر ما بدتر از این می‌گوید که برای شما و ماها می‌گویند. برای همه مخالفان اسلام. برای همه آنها می‌گویند. برای اینکه الان در معرض خطر است کارشان. وقتی در معرض خطر شدند یعنی منافقان در معرض خطر است. البته آنها باید بر علیه ما حرف بزنند. لکن ما مسیر خودمان را طی می‌کنیم. تا آنجائی که بتوانیم مسیر خودمان را طی می‌کنیم و آقایان هم مسیر خودشان را طی می‌کنند بدون اینکه هیچ باکی از حرف‌های این‌ور و آن‌ور داشته باشیم. و جاهت ما نمی‌شناسد و جبهه است. نمی‌خواهید حلالاً درست کنید. و جبهه‌الله بشوید با مردم. اگر کسی شما را نمی‌شناسد و جبهه است. نمی‌خواهید حلالاً درست کنید. نمی‌خواهید در این مجلس و جاهت درست بکنید. شما این مجلس را نمی‌خواهید. بسروید و مطابق آنطوری که ملت شما را وکیل شما است و مطابق آنکه اسلام شما را موظف کرده است. به آنطور عمل کنید و همین طور عمل خواهید کرد.

سفارش به و کلای مجلس در بيمودن مسير ملت

و من سفارش می‌کنم به انهایی که خدای نخواستہ یک آرائی دارند برخلاف مسير ملت، من سفارش می‌کنم به آنها که طرحشان را و آرايشان را بگذارند برای یک وقت دیگری و یک وقت‌های دیگری این کارها را بکنند، حالا وقت این نیست که آرائی که خلاف مسير ملت است اظهار بکنند و حیثیت خودشان را در بین ملت از بین ببرند. من میل ندارم حیثیت آقایان از بین برود در بین ملت. اگر در این مجلس یک چیزهایی و یک حرف‌هایی زده بشود که برخلاف مسير ملت است، اینها و جهات خودشان را در بین ملت می‌برند و خدای نخواستہ بعدها برایشان خیلی نفع ندارد. همان مسیری که ملت داشتند، همین چیزی که اگر می‌خواهید مطابق به قول خودتان دموکراسی عمل بکنید، دموکراسی این است که آراء اکثریت و آنهم اینطور اکثریت معتبر است، اکثریت هر چه گفتند آرايشان معتبر است ولو به ضرر خودشان باشد. شما ولی آنها نیستید که بگوئید که این به ضرر شماست ما نمی‌خواهیم بکنیم، شما وکیل آنها هستید، ولی آنها نیستید. بر طبق، آنطوری که خود ملت مسيرش است؛ خواهش می‌کنم از اشخاصی که ممکن است یک وقتی یک چیزی را طرح بکنند که این طرح برخلاف مسير ملت است، طرحش نکنند از اول، لازم نیست، لازم نیست هر مطلب صحیحی را اینجا گفتن. شما آن مسائلی که مربوط به وکالتان است و آن مسیری که ملت ما دارد، روی آن مسير راه را بروید ولو عقیده‌تان این است که این مسیری که ملت رفته، خلاف صلاحش است، خوب باشد، ملت می‌خواهد اینطور بکند، به من و شما چکار دارد؟ خلاف صلاحش را می‌خواهد انجام بدهد. ملت رأی داده و رأی می‌دهد، که داد، متبوع است. در همه دنیا رأی اکثریت آن هم یک همچو اکثریتی، آن هم یک فریاد چند ماهه و چند ساله ملت، آن هم این مصیبت‌هایی که ملت ما در راه این مقصد کشیده‌اند انصاف نیست که حالا شما بیاید یک مطلبی بگوئید که برخلاف مسير است، یعنی انصاف نیست که نمی‌شود، پیش هم نمی‌زود، اگر چنانچه یک چیزی هم گفته بشود، پیش نمی‌رود برای اینکه اولاً مخالف با وضع وکالت شما هست و شما وکیل نیستید از طرف ملت برای هر چیزی و ثانیاً برخلاف مصلحت مملکت است، برخلاف مصلحت ملت است، برخلاف مصلحت خود آقایان است.

اسلام مترقی‌ترین مکتب‌هاست

و من از خدای تبارک و تعالی خواهانم که آقایان انشاءالله با سلامت و موفقیت این راه را طی بکنند و یک قانونی که مطابق با اسلام و مترقی و همه چیزش تمام باشد، و ما اسلام را مترقی‌ترین مکتب‌ها می‌دانیم و هر مکتبی هر چه می‌خواهد بگوید، بگوید. ما اسلام را مکتب مترقی می‌دانیم و شما فرض کنید که مکتب مترقی نیست، ما این را می‌خواهیم، ما این را می‌خواهیم، مترقی اسمش را می‌گذارید، بگذارید، غیر مترقی هم اسمش را می‌گذارید، بگذارید، ما را وحشی هم بدانید، بدانید. ما این را می‌خواهیم، ملت ما هم این را می‌خواهند و من معذرت می‌خواهم از آقایان که در این هوای گرم تشریف آوردند. مؤید باشید.

منی مانند که شما،
ست. همانطور که
نمی‌هر چه باشد،
خودش اختیار دارد
بل اسلامی. البته
به اسلام است، اگر
، حدود و کالتش
نیت همه آقایان هم
هاند برای آن. وقتی

می‌دهیم

آزادی طلب یا
منافعشان که در
نیم. هر چه آنها
آنطوری که دستور
ن‌کنند، ما این مسير
مورد اعتماد و اعتنا
خوب بگویند، باید
زاران چیز گفتند،
ن پیغمبر ما بدتر از
ن بگویند، برای اینکه
عرض خطر است.

ن که بتوانیم مسير
با یکی از حرف‌های
به شما نمی‌خواهید
نیلا درست کنید،
، بروید و مطابق
ست، به آنطور عمل